

قواعد فقهی منع کاربرد سلاح‌های کشتار دسته جمعی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

محسن سبحان^۱

سیدمحمد موسوی بجنوردی*

اصغر عربیان^۳

چکیده

همکاری و از طرفی کشمکش و تعارض منافع از ویژگی‌های رفتار دولت‌ها در سیاست بین‌المللی است و محیط خودیاری بین‌المللی دولت‌ها را به جستجوی ابزارهای موثر جنگ و مزیت‌های نظامی برای دفاع از کلیت و موجودیت خود کرده است. این تقلای برای بقا و حفاظت از خود در محیط ناامن بین‌المللی به دگرگونی در فناوری جنگ و سلاح‌های نظامی منجر شده است. به طوری که انواعی از سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای که به‌عنوان سلاح‌های کشتار دسته جمعی شناخته می‌شوند توسط قدرت‌های بزرگ و دولت‌های پیشرفته صنعتی ابداع شده و در بین دیگر بازیگران نیز پخش و تکثیر شده است. این تحول در ابزار جنگ، هزینه‌های زیست محیطی و اقتصادی قابل ملاحظه‌ای به بار آورده است. به عبارتی همزمان با پیشرفت و ترقی جوامع توسعه یافته در عصر مدرن بر انواع تسلیحات نظامی نیز افزوده شده است که در نوع خود هزینه‌ها و آسیب‌های مختلفی را ایجاد کرده است. در این مقاله به بررسی قواعد ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار دسته جمعی و چالش‌های آن با توجه به قواعد و هنجارهای فقهی پرداخته شده است، هم‌چنین هنجارها و قواعد ارزش‌هایی که بر ممنوعیت کاربرد تسلیحات کشتار جمعی در مخاصمات بین‌المللی تأثیر می‌گذارد مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سلاح، کشتار جمعی، بیولوژیک، شیمیایی، هسته‌ای (اتمی)، حکم فقهی.

۱. دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد مدعو گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* bojnoordi214@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و شش، صص ۱۳۲-۱۰۱

مقدمه

بدون تردید «امنیت» را می‌توان یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان دانست که بشر از زمان خلقت تاکنون همواره به دنبال تأمین این مهم، جهت زندگی فردی و اجتماعی خود بوده است. «علم و دانش» نیز یکی دیگر از نیازهای انسان است که استفاده صحیح از آن می‌تواند در جهت رفاه و تأمین امنیت و آسایش برای انسان بکار افتد.

مسأله‌ی سلاح و ابزار آلات جنگی و همچنین حکم بکارگیری انواع سلاح در مقابل دشمن از ابتدای پیدایش آئین اسلام مورد سؤال از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و بعد از وجود آن حضرت از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) بوده است اما موضوع تسلیحات کشتار جمعی، موضوعی مستحدثه است، لکن با بررسی روایات منع القاء سم، منع هلاکت حرث و نسل، منع کشتار غیرنظامیان در جنگ و....، که در غالب فقهی - روایی و فقهی - فتوایی اشاره گردیده است، می‌توان حکم مسأله‌ی مورد پژوهش را استخراج نمود.

علاوه بر بعد فقهی، از منظر حقوقی نیز می‌توان درباره ممنوعیت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی سخن گفت. منشور سازمان ملل متحد، مقررات آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، معاهداتی از جمله NPT و کنوانسیون‌های مختلف از قبیل کنوانسیون عدم اشاعه و.. فقط بخشی از تصمیمات حقوقی درباره سلاح کشتار جمعی است.

اگر چه در مقالاتی چند، موضوع سلاح و احکام آن مورد بررسی قرار گرفته است اما از آن جا که تاکنون پژوهشی جامع و خاص سلاح‌های کشتار جمعی و پیرامون مبانی فقهی حرمت استفاده از آن صورت نگرفته، در این مقاله بر آن شدیم تا علاوه بر جامع بودن از حیث بررسی اقوال فقهاء شیعه و ادله مربوط به این گونه سلاح‌ها و نیز مراعات و ترتیب منطقی میان بحث‌های مطرح شده، ابعاد جدید مسأله و مباحث روز را عنوان سازیم تا بر همگان روشن گردد که آنچه از نظر دین مبین اسلام اهمیت دارد، حفظ اصل این مکتب الهی و انسان‌ساز، پیشگیری از ارتکاب روش‌های نامتعارف در مخاصمات، حتی الامکان حفظ جان آدمیان و در یک کلام، عمل به قوانین شریعت که متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌باشد.

مفهوم‌شناسی سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح کشتار جمعی مجموعه جنگ‌افزایی است که می‌تواند شمار بسیار زیادی از انسان را از بین ببرد و خسارت فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد آورد. این‌گونه سلاح‌ها، شامل باکتریولوژیک، شیمیایی و سلاح‌های اتمی است که با علائم اختصاری A.B.C یا N.B.C یا R.B.C به کار می‌روند. معیار قوت و ضعف این گونه سلاح‌ها، یکی قدرت میزان تخریب آن‌ها و دیگری اهداف آن‌ها می‌باشد که البته با توجه به تعریف ذاتی این‌گونه سلاح‌ها، هدفی جز تخریب و از بین بردن عموم مخلوقات اعم از حیوان، انسان، درختان و... ندارند.

۱۰۳

سلاح بیولوژیک

سلاح‌های بیولوژیک در حقیقت ویروس‌های بیماری‌زای خطرناکی هستند که بعد از مدتی باعث مرگ انسان مبتلا به آن می‌شود. غالباً پنج نوع سلاح بیولوژیک معرفی شده است: ۱- آبله، ۲- سیه‌زخم، ۳- طاعون، ۴- تب خرگوشی، ۵- تب ایبولا. هر کدام از این بیماری‌ها به نوبه خود توسط افراد و یا حیوانات مبتلا، به سوی سرزمین دشمن رها شده و باعث بروز علائم در بین ساکنین آن می‌شود. هر کدام با توجه به قدرت شیوع خود، بعد از مدتی عوارض خود را در شخص مبتلا بروز داده و در نهایت باعث فوت او می‌شود. (ر.ک: ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۰) لذا متخصصین بایستی سلاحی مقاوم در برابر این ویروس‌ها تعریف کرده و مردم را از شر آن بیماری نجات می‌دادند.

سلاح شیمیایی

سلاح شیمیایی شامل تمام مواد شیمیایی خواه به صورت گاز، مایع یا جامد است که به خاطر اثرات سمی مستقیم روی انسان، حیوان و گیاه به کار گرفته می‌شوند. این سلاح‌ها باعث انواع آسیب‌های شدید جسمانی از قبیل التهاب حاد ریوی، اغما، ورم ملتحمه در چشم، تهوع، ایست تنفسی، نابینایی، تاول و جراحات شدید پوستی، تشنج و مرگ می‌شوند.

سلاح هسته‌ای (Nuclear Weapon)

بمب‌ها، موشک‌ها و سایر جنگ افزارهایی که قدرت انفجاری آن‌ها از انرژی هسته‌ای تأمین می‌شود. اما به طور خاص بمب اتمی نام رایج سلاح‌هایی است که در آن‌ها از انرژی آزاد شده در فرآیند شکافت هسته‌ای یا گداخت هسته‌ای برای تخریب استفاده می‌شود. بمب‌های اتمی که بر مبنای گداخت کار می‌کنند نسل نوین بمب اتمی هستند و قدرت بسیار بیشتری از بمب‌های شکافتی دارند. مبنای آزاد شدن انرژی در هر دو نوع بمب اتمی؛ تبدیل ماده به انرژی بر اساس فرمول $E=mc^2$ می‌باشد. اما در بمب‌های گداختی جرم بیشتری از ماده به انرژی تبدیل می‌شود. (بلوچی، ۱۳۹۲؛ ر.ک: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶: ۱۴).

در این بخش جهت اختصار، ابتدا به آثاری چند که استفاده از مهمترین نوع تسلیحات کشتار جمعی (یعنی سلاح هسته‌ای) می‌تواند به دنبال داشته باشد، اشاره می‌گردد.

اشاعه هسته‌ای و افزایش هزینه‌های انسانی و اقتصادی جنگ در اثر پیدایش سلاح‌های اتمی

اسکات سیگن، محرک‌های اشاعه را به سه دسته تقسیم می‌کند: الف) محرک امنیتی، که بر عنصر امنیت نظامی تمرکز دارد؛ ب) محرک ناشی از سیاست داخلی، که در آن ائتلاف‌های بوروکراتیک یا سیاسی داخلی در حمایت یا مخالفت با تسلیحات هسته‌ای مدنظر قرار می‌گیرند و ج) محرک هنجاری، که به هنجارها و ملاحظات منزلتی مشوق دستیابی به تسلیحات هسته‌ای اشاره دارد (Montgomery and Sagan, 2009, p.305). فارغ از بحث اشاعه، با عنایت به نظرات دانشمندی چون سیگن، کنت والتز، جان مرشایمر و مورگنتا و نیز بررسی آثار میدانی استفاده از تسلیحات هسته‌ای، می‌توان آثار جسمی، سیاسی، روانی، زیست محیطی و اقتصادی فراوانی برشمرد که وقوع یک فاجعه‌ی هسته‌ای آن را به دنبال خواهد داشت.

۱. آثار جسمی

اثر تشعشع یا پرتوهای رادیواکتیو (آلفا، گاما و نوترون) که در اثر عمل یونیزه شدن به بافت‌های انسانی در معرض تماس با تشعشع، آسیب می‌رساند و آن همچنین به دلیل انتشار

این مواد در هوا سبب ابتلای اشخاص به بیماری سرطان می‌گردد. علاوه بر این، استنشاق هوا منجر به آسیب‌دیدگی بافت‌های تنفسی می‌شود. اثر انفجاری یا موج که در آن موج باد ناشی از انفجار باعث ورود آسیب به پرده گوش، قلب و ریه‌های انسان می‌شود.

آثاری که در زمینه توارث با گذشت زمان به وجود می‌آید نیز غم‌افزاست و شاید این یکی از ویژگی‌های بسیار مهم تشعشعات اتمی باشد. کونیزو هاتاناکا ساکن هیروشیما که زنش هنگام بمباران هیروشیما (۱۶ اوت ۱۹۴۵م) آبتن بود، در فوریه ۱۹۴۶ دختری به دنیا آورد، او نقل می‌کند:

«وزارت بهداری و بهزیستی بیماری دخترمان را «بیماری ناشی از تشعشعات اتمی در اوایل بارداری» نامید. دخترمان علاوه بر کوچکی بی‌اندازه سر و عقب افتادگی مغزی مشکلات دیگری هم دارد.» (کاسسه، ۱۳۷۵: ۳۳).

مواد رادیواکتیو از راه‌های مختلف مانند استنشاق ذرات معلق مواد رادیواکتیو در هوا، مصرف مواد خوراکی آلوده، جذب از راه پوست، ورود از طریق زخم‌های پوست وارد بدن شده و متناسب با انرژی و نیمه عمر خود به نسوج بدن آسیب وارد می‌سازند. آلوده‌کننده‌های مواد رادیواکتیو ممکن است علاوه بر انتشار پرتوهای یونی، خطر مسمومیت شیمیایی نیز داشته باشند و به صورت گرد و غبار یا مه دیده شوند. هر آلوده‌کننده رادیواکتیو پس از ورود به بدن در یک عضو به‌خصوص قرار می‌گیرد و سرعت دفع نیز به طبیعت شیمیایی ایزوتوپ رادیواکتیو بستگی دارد. (کاسسه، ۱۳۷۵: ۲۵).

۲. آثار اقتصادی

مشاغل و فعالیت‌های تجاری به حالت تعطیل درخواهند آمد، زیرا منطقه حادثه دیده بلافاصله پس از انتشار تشعشعات رادیولوژیکی توسط ماموران امنیتی و امدادی محاصره می‌شود. فعالیت‌های تجاری در این مناطق با صعوبت فراوان و طولانی همراه خواهد بود. علاوه بر این خوراکی‌ها و محصولات غذایی که در اماکنی نظیر مغازه‌ها، سوپرمارکت‌ها، رستوران‌ها و آشپزخانه‌های منازل رها شده‌اند فاسد خواهد شد. وقوع حوادث تروریستی هسته‌ای و رادیولوژیکی، املاک و مستغلات را شدیداً متأثر خواهد ساخت؛ زیرا این مناطق و نواحی برای مدت طولانی غیر قابل سکونت می‌شود و اشخاص و صاحبان منازل محله‌ها و

نقاط دیگری را برای سکونت انتخاب خواهند کرد. همچنین سرمایه‌گذاری در این محلات انجام نمی‌گیرد که بدون تردید آثار و پیامدهای منفی اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. فعالیت‌های مالی و اقتصادی مثل خدمات بانکی و بیمه‌ای به مناطق دیگر انتقال داده می‌شود. به هر حال حتی در صورت عدم انتقال، تعداد بیشماری از این موسسات تجاری و اقتصادی قادر نخواهند بود که سریعاً خدمات خود را ارائه دهند.

۳. آثار زیست محیطی

ذرات اتمی در جو و لایه ازن، آب و هوای کره زمین را شدیداً تغییر خواهد داد و دود و خاکستری که از انفجار اتمی حاصل می‌شود مانع از تابش خورشید شده و سرما همه جا را فرا می‌گیرد که این پدیده به کشاورزی در سطح زمین آسیب وارد خواهد آورد. (لوچیانو، ۱۳۷۱: ۱۲۲-۱۲۸).

غیر از انفجار وسیله انفجاری هسته‌ای، آلودگی خاک و آب‌های سطحی و زیر زمینی در نتیجه استخراج و فرآیندهای تولید اورانیوم و دفع بی‌رویه پسماندهای هسته‌ای از راکتورهای هسته‌ای و آلاینده‌های صنایع نظامی می‌باشد. علاوه بر این نفوذ تدریجی رادیوم ۲۲۶ به جویبارها و رودخانه‌ها و ورود آن به زنجیره غذایی سبب دگرگونی در ترکیب خون، سرطان خون و تغییر شکل استخوان‌ها می‌شود.

آلودگی گسترده رادیواکتیو در آب و هوا سبب خسارت مستقیم به جانانه گیاهان گردید و احشام شیرده از چرا محروم و مصرف شیر و مواد غذایی تحت نظارت قرار گرفت (غنی کله لو، ۱۳۸۹: ۱۶۶، ۱۶۴ (با تلخیص و تغییر)).

۴. آثار سیاسی

اگر وضعیت ما بعد حملات تروریستی به شیوه‌ای سریع و موثر مدیریت نشود، این امر می‌تواند منجر به آشوب‌های سیاسی و اجتماعی گردد که بخش‌هایی از کشور را به هرج و مرج کشانده و نظم سیاسی و اجتماعی را مختل سازد. پیامد سیاسی یک تهاجم هسته‌ای - رادیولوژیک بستگی به این امر دارد که دولت چگونه وضعیت پیش آمده را اداره و مدیریت کند. علاوه بر مسائل و مشکلاتی که در داخل کشور گریبان دولت را می‌گیرد وی با بحران‌هایی در روابط بین‌المللی نیز مواجه خواهد شد. اگر دولتی که آماج حملات

تروریستی هسته‌ای قرار گرفته است این حادثه را به دولت دیگری ارتباط داده و آن را مسوول بشناسد، روابط دو جانبه مناقشه‌آمیز شده و احتمالاً قطع روابط سیاسی را به دنبال خواهد داشت. این امر در صورتی که دو کشور در مجاورت یکدیگر قرار داشته و دارای سابقه‌ی روابط نه چندان دوستانه با همدیگر باشند احتمال بیشتری دارد. البته بایستی بیان داشت که دولت هدف قرار گرفته ممکن است در جهت ناتوانی خود در برابر انتقادات داخلی، دولت معینی یا بی‌نامی را به حمایت از تروریسم هسته‌ای معرفی کند.

همچنین اگر چنین دولتی توانایی یا تمایلی برای اتخاذ تدابیر موثر در رویارویی و سرکوب تروریسم را نداشته باشد روابطش با دول دیگر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت چرا که حتی ممکن است دولت مزبور را تحت فشار قرار دهند تا اقدام قاطعی را برای مبارزه با تروریسم انجام دهد (غنی کله لو، ۱۳۸۹: ۱۶۷، ۱۶۹) (با تلخیص و تغییر)).

۱۰۷



قواعد فقهی منع کاربرد سلاح‌های کشتار دسته جمعی در مخصصات مسلحانه بین‌المللی

۵. آثار روانی

آثار روانی وسایل انفجاری هسته‌ای از شعاع و محدوده مرگ و جراحات بدنی فراتر می‌رود. یکی از درناک‌ترین جنبه‌های اعمال تروریستی هسته‌ای این است که مهم نیست که تروریست‌ها برای رسیدن به اهدافشان سلاح‌های هسته‌ای در اختیار دارند یا خیر بلکه کافی است تعدادی از اعضای گروه هدف، باور داشته باشند که آن‌ها این قدرت و توانایی را دارا می‌باشند.

ادله‌ی فقهی حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی

بررسی ادله مسئله

۱. قاعده‌ی وزر

«وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»؛ (یزدی، ۱۴۰۶: ۴/۱۵۹، ۱۶۰). مطابق این قاعده دامنه‌ی کیفر و مجازات نباید به بیش از کسانی کشیده شود که استحقاق آن را دارند و کشتن

۱. در قرآن مجید، پنج بار آیه «و لا تزر وازره وزر اخری» تکرار شده است و تفاوت آن‌ها تنها در مقدمه جمله است: انعام (۶) آیه ۱۶۴: قُلْ اغیرالله ابغی...؛ «بگو آیا جز خداوند پروردگاری جوئید و او

بی‌گناهان به خاطر تعداد معدودی گناهکار صحیح نمی‌باشد، چرا که هیچ‌کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی گردد که سبب آن از ناحیه‌ی دیگران تحقق یافته است. به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی اعم از هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، نفی و نقض این قاعده را در پی دارد؛ از آن جهت که به شیوه‌ای گسترده و فارغ از تفکیک (بین نظامیان و غیر نظامیان)، مجموعه‌ی گسترده‌ای از افراد را هدف قرار می‌دهد. بلکه حتی فراتر از نسل‌های فعلی بشر، حملات مرگبار سلاح‌های کشتار جمعی متوجه نسل‌های آینده هم خواهد شد.

کارشناسان بر این باورند که در بکارگیری سلاح کشتار جمعی، انسان هدف را تعیین نمی‌کند، بلکه هدف توسط آن سلاح تعیین می‌شود که از کنترل انسان خارج است و سابقه‌ی استفاده از این سلاح مخرب نشان داده که وسعت و دامنه‌ی تخریب این سلاح بسیار گسترده بوده و حتی زمانی غیر از زمان کنونی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، لذا هر چند در منطقی جنگ در جهان غیر مسلمان، هدف وسیله را توجیه می‌کند و از این‌رو استفاده از هر وسیله‌ای برای غلبه بر دشمن را مجاز می‌دانند ولی اسلام معتقد است که هم هدف و هم وسیله هر دو مهم است و تنها از وسیله‌ای می‌توانیم استفاده کنیم که شریعت آن را تأیید کرده باشد. درست است که باید بر دشمن غلبه داشته باشیم؛ «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» اما به هر روش و وسیله‌ای نه. در این جا مناسب است دو اصل عقلایی و حقوقی در مخاصمات مسلحانه که اسلام نیز آن را تأیید کرده و حتی در این زمینه پیشگام‌تر از حقوق بین‌الملل عرفی بوده است را مورد اشاره قرار دهیم:

۲. اصل تفکیک

هدف و منظور از این اصل، تمایز و تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه است. چنین هدفی مورد قبول همه‌ی نظام‌های حقوقی می‌باشد. نظام حقوقی اسلام نیز که بسیاری از مقررات بشردوستانه ریشه در آن دارد اهمیت فوق‌العاده‌ای برای اصل تفکیک یا به عبارت ساده‌تر اصل ایمنی غیرنظامیان قائل است. اسلام احترام به

پروردگار همه است و عمل نمی‌کند هیچ‌کس، مگر به ذات خود و هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر ندارد.»

غیرنظامیان و رعایت حقوق آنان را به هنگام جنگ مؤکداً سفارش نموده است و این در سفارشات پرچم‌دار دین مبین اسلام حضرت رسول اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین به فرماندهان نظامی هنگام اعزام به نبرد علیه دشمنان آمده است. بنابراین نظام حقوقی اسلام قبل از شکل‌گیری حقوق بشردوستانه در اروپا رعایت چنین اصلی را به رسمیت شناخته و خود بنیانگذار و مبدأ آن است. از آنجا که استفاده از سلاح کشتار جمعی سبب نقض این اصل فقهی و حقوقی است و به عبارت بهتر، اصولاً هنگام بکارگیری آن‌ها، صحبت از رعایت تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی بی‌معناست، در نتیجه هم طبق شریعت اسلام و هم از نظر حقوق بین‌الملل استفاده از آن نامشروع و غیرقانونی است.

۳. اصل تناسب

موضوع تناسب، هم در قاعده‌ی حق توسل به جنگ (Jus ad Bellum) و هم در حقوق جنگ یا حقوق بشر دوستانه (Jus in Bello) مطرح است؛ زیرا این موضوع راجع به چگونگی برخورد به هنگام مجاز بودن کاربرد زور است. بنابراین برای نمونه، یک اقدام مسلحانه‌ی دفاعی نباید نامتناسب با حمله‌ای باشد که این اقدام در برابر آن صورت گرفته است و همچنین پاره‌ای از تاکتیک‌های به‌کار گرفته شده در یک جنگ اگر به خطر انداختن غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی را به دنبال داشته باشد قطعاً ناقض حقوق جنگ است. و از آنجا که استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ قطعاً ناقض این اصل است و با قاعده‌ی مذکور (قاعده وزر) منافات دارد، طبق شرع مبین اسلام و همچنین حقوق بین‌المللی ممنوع می‌باشد. شایان ذکر است پیرامون آیه‌ی مذکور: « قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رِبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ » (انعام / ۱۶۴). حضرت علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) در تفسیر گران‌سنگ المیزان می‌فرماید: « و این مفاد آیه کُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ » (مدثر / ۳۸). است که می‌فرماید: هر کس گروگان عملی است که انجام داده است.

و همچنین می‌توان آیات «كُلُّ أَمْرٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينٌ» (طور / ۲۱): (هر نفسی در گرو عملی است که اندوخته است) و «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا» (بقره / ۴۸): (کسی به جای دیگری مجازات نمی‌شود) را به مطالب گذشته افزود. شایان ذکر است که دلیل یاد شده اخص از مدعا بوده و اگر زمانی فرا رسد که نسلی از سلاح اتمی توسط بشر ساخته شود که در آن دو اصل فوق یعنی اصل تفکیک و اصل تناسب رعایت شود، شاید بتوان استفاده از آن را از این منظر مجاز دانست.

۴. قاعده حرمت سعی بر فساد در زمین

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره / ۲۰۵) (و چون به ولایت و حکومت رسد، در زمین فساد به پا نموده و محصولات مردم و نسل بشر را نابود سازد و خداوند فساد و تباهکاری را دوست ندارد). لذا در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد بر روی زمین ختم گردد، مصداق سعی بر فساد و موضوع این قاعده است و در نتیجه محکوم به حرمت خواهد بود. و این روشن است که بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی، آتش جنگی را شعله‌ور می‌سازد که نتیجه‌ی آن تحقق فساد بسیار پر دامنه در زمین است. بدین سان طبق این قاعده بکارگیری این گونه سلاح‌ها و حتی قدم زدن در وادی تولید و انباشت آن به دلیل عواقبی که دارد از نظر فقهی ممنوع است!

حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: جمله «وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» بر نابودی دامداری نیز دلالت دارد، چون واژه‌ی «نسل» مطلق است و افزون بر انسان، حیوان را نیز شامل می‌شود. همچنین شامل اهلاک انسان‌ها (نیروی انسانی) در جنگ می‌شود. منافقان اگر دستشان به جایی یا کاری برسد، هم آشوب جنگ بر پا می‌کنند، هم در افساد دامداری و کشاورزی می‌کوشند. در این آیه، صنعت صریحاً ذکر نشده است، چون در آن روز صنعت آن چنان پیشرفت نکرده بود؛ لیکن جمله «لِيُفْسِدَ فِيهَا» شامل صنعت نیز می‌شود و از آنجا که هر افساد و اهلاک حرث

۱. برگرفته از مقاله ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه، حجت الاسلام احمد مبلغی

و نسلی، طغیان در برابر فرمان عدل محور خداست و هر طغیانی مایه‌ی غضب الهی است می‌فرماید: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰، ۲۲۸؛ تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰: ۱، ۱۰۰).

۵. قاعده حرمت اعتداء

« وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ »؛ (بقره/ ۱۹۰) (و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگذیرید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد).

حکم استفاد از این آیه حرمت تکلیفی تجاوز از حد، در استفاده از ابزارهای غیر متعارف در جنگ است. طبق تعالیم دین مبین اسلام بسیاری از آثاری که در نتیجه‌ی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به وجود خواهد آمد، مصداق تعدی و تجاوز از حد در جنگ است؛ به‌عنوان مثال کشتن دشمن توأم با شکنجه، کشتن پیر مردان و پیر زنانی که در جنگ نقشی ندارند، کشتن کودکان و نوزادان و زنان و ... ممنوع می‌باشد. لذا به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی که شاخصه‌ی آن، غیر قابل کنترل بودن دامنه‌ی تخریب آن است، طبق این آیه شریفه حرام است و نیز کشاندن جنگ از منطقه جنگی به غیر آن که سبب آزار و اذیت شود، هر چند آزار و اذیت حیوانات و گیاهان و به‌طور کلی محیط زیست باشد حرام است، زیرا نهی در «لا تعتدوا» مطلق است و شامل هرگونه اعتداء می‌شود؛ خواه درباره‌ی اشخاص باشد یا نحوه‌ی قتل دشمن و یا قوانین جنگ.

۶. قاعده اِثم

مطابق این قاعده اگر اِثم، یعنی گناه و زشتی در عملی از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگتر باشد، تحریم می‌گردد. سلاح‌های کشتار جمعی مصداق اِثم این قاعده است. این سلاح‌ها به وضوح، اثمی بزرگتر از نفع دارند. تصور درگیر شدن بشر در نبرد هسته‌ای آن چنان دهشت‌انگیز است که جایی برای تشکیک در کاربرد قاعده‌ی مورد اشاره باقی نمی‌گذارد. در این میان، تشخیص زشتی بهره‌گیری از سلاح‌های هسته‌ای به حکم عاقلان و خوردن مهر تأیید از سوی وجدان آدمی مسلم است؛ زیرا افزایش این سلاح‌ها

به تدریج فرآیندی تصاعدی خواهد یافت و به شیوه‌ای پیوسته به تکرار این وضعیت خواهد انجامید زیرا کشورهای مختلف در جهت حفاظت از منافع خود در قبال کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای، تحریک به تولید و انباشت آن شده و خواهان بهره‌مندی از قدرت بازدارندگی این نوع تسلیحات می‌باشند. این مسابقه‌ی خطرناک که منطقی تصاعدی بر آن حکم می‌راند، اِثمی را سبب می‌شود که بی‌هر سخنی، بیشتر از منافع احتمالی برخوردار از این نوع سلاح‌ها است.

آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره/ ۲۱۹). اگر چه در ارتباط با «خمر و میسر» وارد شده ولی در واقع یک قاعده است و قابل تطبیق بر هر موردی است که بزرگ‌تر بودن اِثم در آن احراز شود. عبارت فوق از آنجا دلالت بر تحریم می‌کند که در این آیه تصریح می‌کند بر اینکه شرب خمر، اثم است و در آیه ۳۲ از سوره مبارکه اعراف به‌طور صریح بیان می‌کند که هر چه مصداق اثم باشد خداوند از آن نهی کرده و حرام است: (قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن، و الاثم و البغی بغیر الحق: بگو پروردگار من تنها فواحش، چه ظاهری و چه باطنی آن و نیز اثم و ستم بدون حق را تحریم کرده است). لذا در ارتباط با خمر و میسر، شارع مقدس خود بزرگ‌تر بودن اثم را اعلام نموده، ولی در ارتباط با سلاح اتمی، تمام عقلای جهان بر نهفتگی فساد بزرگ در آن اتفاق نظر دارند. به واقع همه معتقدند که فساد نهفته در سلاح اتمی، فساد ذاتی و حداکثری است و از این رهگذر، احراز موضوع قاعده شکل می‌گیرد؛ از طرفی دیگر هزینه‌ی نگهداری این نوع تسلیحات بیش از ایجاد قدرت و ترس است، برای نمونه کشورهای همچون کره شمالی و پاکستان از سلاح‌های هسته‌ای بهره‌مندند اما بیشتر از آنکه موجب قدرت آنان شود، موجب ضعف آنان شده است.

۷. قاعده لا ضرر

«لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (صدوق، ۱۳۸۷: ۴، ۳۳۴) (در اسلام ضرر و زیان رساندن به خود و دیگری ممنوع است)؛ این فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که شکل قاعده به خود گرفته است حاوی نکاتی است که توضیح آن ضروری به نظر

می‌رسد. در مفاد این قاعده نظرهای متعددی از فقها ارائه شده که مشهورهای آن را می‌توان در پنج نظر خلاصه کرد:

۱. نهی از ایجاد ضرر؛ ۲. نفی احکام ضرری؛ ۳. نفی حکم به لسان نفی موضوع؛ ۴. نهی حکومتی، نه الهی؛ ۵. نفی ضرر غیر متدارک که توضیح نظرات مذکور و نقد و تحلیل هر یک اگر چه مفید بوده اما از آنجا که در حیطه‌ی موضوع این پژوهش نبوده و از حد اختصار خارج است فقط به این میزان بسنده کرده که با بررسی نظرهای مذکور و اشکالات هر یک باید گفت که:

اولاً: این امر را همه‌ی صاحب‌نظران پذیرفته‌اند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با این حدیث درصدد بیان قاعده‌ای کلی و عام بوده‌اند که همانند قواعد دیگر شریعت بتواند مستند احکام بسیاری قرار گیرد، چه قاعده را در قالب جمله‌ی خبریه معنا کنیم و چه انشائیه. البته در این که حدیث را به صورت خبری معنا کنیم یا انشایی، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. بدیهی است که اگر خبری بودن جمله را بپذیریم در بین معانی پنج‌گانه‌ی فوق یکی از سه معنای: «نفی حکم به لسان نفی موضوع»، «نفی احکام ضرری» و «نفی ضرر غیر متدارک» را باید قبول کنیم، گرچه معنای دوم اشکالات کمتری دارد و چنانچه به انشایی بودن جمله معتقد باشیم باید یکی از دو معنای «نهی از ایجاد ضرر» و «نهی حکومتی» را بپذیریم (شریعتی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

ثانیاً: دو واژه‌ی «ضرر» و «ضرار» مطلق‌اند و هر نوع ضرری اعم از ضرر در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی یا ضرر مالی، جانی، حیثیتی و یا ضررهای ناشی از موضوع یا حکم و نیز ضرر از ناحیه‌ی هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی را شامل می‌شود؛ گفتنی است قاعده‌ی «لاضرر» را نمی‌توان در ضررهای فردی محصور کرد؛ البته از آن جا که در کتب فقهی‌ای که تاکنون به نگارش در آمده، بیشتر جنبه‌ی احکام فردی لحاظ شده تا احکام سیاسی و اجتماعی، پس کاربرد قاعده لاضرر در بسیاری از این کتاب‌ها جنبه‌ی فردی دارد، همچنان که به دلایلی جنبه‌ی اقتصادی قاعده بررسی شده و جنبه‌های دیگر آن مورد غفلت واقع شده است. به هر حال هیچ فقهی منکر اطلاق قاعده و شمول آن نسبت به مصادیق غیر فردی و غیر اقتصادی نشده است (شریعتی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

ثالثاً: مراد از ضرر در این قاعده، ضرر نامشروع و غیرمتعارف است. توضیح آنکه برخی از ضررها مشروع می‌باشند همانند حکم قصاص نفس و عضو که هر چند در ابتدای امر نوعی اضرار به یک شخص به نظر می‌رسد اما در حقیقت ضرری مشروع و به نفع حیات نوع انسان می‌باشد و برخی از ضررها متعارفند همانند رقابت دو تاجر در امر تجارت که ممکن است باعث ضرر یکی از آن دو شود.

رابعاً: بین جنگ و جنایت جنگی تفاوت روشنی وجود دارد؛ چرا که اصل جهاد و مبارزه جهت حفظ کیان اسلام و در برابر کفار و متجاوزان نه تنها ممنوع نبوده و از موضوع قاعده لاضرر خارج است بلکه در آیات مکرر قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین سفارش فراوانی نسبت به آن شده است، از جمله آنکه:

- قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها النبی جاهد الکفار والمنافقین واغلظ علیهم و ماواهم جهنم و بس المصیر»: ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر. جایگاهشان جهنم است و بد سرانجامی است (تحریم/ ۹).

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد، به نوعی نفاق مرده است (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۳۱۲، ۲).

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد جامه‌ی تقوی و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست و نیز ایشان فرمودند جهاد ستون دین است. (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۳۱۳، ۲).

لذا قاعده لاضرر می‌تواند مانع جنایت جنگی باشد هر چند که رافع جنگ نباشد. شایان ذکر است نکات دیگری در باب قاعده لاضرر وجود دارد ولکن از آنجا که به‌طور مستقیم با موضوع این پژوهش ارتباط پیدا نمی‌کند از بیان آن صرف‌نظر می‌شود و گفته می‌شود که به‌طور کلی از نظر شریعت اسلام هر نوع اضرار به جان خود و دیگران به استناد قاعده‌ی لاضرر ممنوع است و در همین راستا فقها خودکشی، ترور و امثال آنها را منع کرده‌اند؛ حال عقل سلیم حکم می‌کند استفاده از سلاح کشتار جمعی، از

آنجا که مصداق بارز ضرر و اضرار آن هم به طرز ناجوانمردانه و وحشیانه می‌باشد، ممنوع باشد؛ سلاحی که در مدت زمان کوتاهی، چنان فاجعه‌ای ایجاد کرده که این میزان ضرر توسط هیچ سلاح و ابزار جنگی دیگری به وقوع نمی‌پیوندد و دامنه‌ی ضرر و اضرار آن در یک جنگ مسلحانه به غیر از نظامیان کشیده شده و حتی سایر جانداران را نیز قلع و قمع کرده و محیط زیست تحت تاثیر خود را برای همیشه یا برای مدتی به بلندای عمر انسان غیر قابل استفاده و بهره‌مندی می‌نماید؛ لذا با توجه به آثار دهشتناک این نوع از تسلیحات، عدم مشروعیت آن طبق آموزه‌های اسلام ناب، بدیهی به نظر می‌رسد.

۸. اصل حرمت جان آدمیان

بر اساس این اصل، فقه برای روح و جان آدمی حرمت قائل شده و آنقدر دامنه این اصل و قاعده در فقه شیعی گسترده است که شامل حیوانات و سایر جانداران نیز می‌باشد. خداوند متعال در نتیجه‌ی آفرینش انسان فرمود: «فتبارک الله احسن الخالقین» و این تعبیر در هیچ مورد دیگری ذکر نشده و از طرفی آفریننده به آفریده خود علاقه‌مند است. در آیه ۷۰ از سوره مبارکه اسراء آمده است: «و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا»؛ (ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوارشان کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از آفریدگانمان برتری‌شان دادیم) و نیز خداوند در آیه ۳۲ از سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا»؛ (هر کس، کس دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد، چنان است که همه‌ی مردم را کشته باشد). و در همین رابطه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی فرمودند: هیچ چیز در نزد خدا گرامی‌تر از فرزند آدم نیست. عرض شد: ای پیامبر خدا! حتی فرشتگان؟ فرمودند: فرشتگان، بسان خورشید و ماه مجبورند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۴۸۴، ۱).

تمامی این فرمایشات حاکی از اهمیت و حرمت جان بنی آدم است، لذا وقتی شعاع تخریبی سلاحی چون سلاح اتمی، طیف گسترده‌ای از انسان‌ها، نباتات، حیوانات و

محیط زیست را شامل است، از این رو سبب بی‌حرمتی به جان و محکوم به حرمت است. زیرا اصل بر این است که جان آدمیان و بلکه همه‌ی جانداران حرمت دارد مگر اینکه به دلیلی خاص، از احترام خارج شود و آن وقتی است که انسان به جنگ با خداوند بیاید و آلت دست شیطان قرار گیرد.

توضیح آنکه؛ انسان و طبیعت، بلکه همه‌ی موجودات عالم امکان، متعلق و وابسته به ذات اقدس پروردگار، و مملوک اویند و دلایل عقلی و نقلی بسیاری در این رابطه وجود دارد و با توجه به وابستگی محض مخلوقات به ذات اقدس خدا، تنها اوست که عهده‌دار تدبیر و تقدیر عالم است و این نیز همان معنای مالکیت تام خداست. خداوند سبحان می‌فرماید: «و لله ملک السماوات والارض والله علی کل شیء قدير»؛ (و آنچه در آسمان و زمین است از آن خداست و خداوند بر هر چیزی تواناست).

انسان فقط امانت‌دار خداوند متعال است و حتی اعضای بدن در دست او امانت است. خداوند در این باره چنین فرمود: «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ»؛ یعنی چه کسی است که مالک شنوایی و بینایی‌هاست؟. با توجه به اینکه کلمه «ام» در آیه، «منقطعه» است، آیه صراحتاً بر مالکیت خداوند سبحان بر شنوایی و بینایی انسان تأکید می‌کند. مسلم است اگر خداوند، مالک شنوایی و بینایی که منافع اعضاست، باشد چشم و گوش نیز از آن اوست، بلکه اعضای دیگر و نیز کل هستی و وجود آدمی از آن خدا و متعلق به اوست.

مسلم است اگر هویت و نفس انسان از آن خودش بود، دیگر ظلم به خود معنایی نداشت؛ زیرا عنوان‌های ظالم و مظلوم همانند عالم و معلوم نیستند که اتحادپذیر باشند بلکه مصداق‌های این دو عنوان حتماً باید غیر یکدیگر باشند.

پس معلوم می‌شود هویتی که در اختیار بشر است، متعلق به خدا و ملک او و امانت الهی است و انسان امانت‌دار خداوند است. لذا تصرف ناروا در آن‌ها ظلم است.

نتیجه می‌شود وقتی هویت و نفس آدمی اینگونه است و مالک آنچه دارد نیست، وضع او نسبت به دیگر موجودات و اشیاء، به طریق اولی مشخص است و او هرگز نمی‌تواند احساس مالکیتی نسبت به آن‌ها داشته باشد و آن‌ها را از آن خود بداند، و برای

بهره‌مندی هر چه بیشتر، خویش را آلوده و در محیط زیست هر گونه تصرف زیان‌آوری داشته باشد.

قاعده عقلی است که مورد تایید عرف رایج بین عقلا قرار گرفته است و آن اینکه اگر کسی به‌خواهد در ملک دیگران تصرف کند، باید از مالک اجازه بگیرد وگرنه حق تصرف در مال او را ندارد، حتی اگر آن شیء به‌صورت امانت در دست او باشد، باید اجازه مستامن را تحصیل کند.

بنابراین اگر ثابت شد که انسان، امانتدار هویت خویش است و مالک واقعی آن هویت خداوند است، هر نوع تصرف و ارتباطی که می‌خواهد با نفس و انحنای وجودی خویش داشته باشد و در پی آن از شئون علمی و عملی خود بهره‌مند شود، باید مقارن با رضایت مالک مطلق هستی یعنی خداوند باشد.

این مطلب بنا بر قاعده‌ی اولویت در دیگر موجودات مانند کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی و... نیز وجود دارد و انسان برای برقراری ارتباط با آن‌ها نیز به اذن الهی محتاج است، چون در بقیه‌ی امور برخلاف هویت انسان - حتی توهم مالکیت وجود ندارد و خیال بی‌پایه استقلال تصرف در آن‌ها هرگز راه ندارد.

بنابراین انسان برای برقراری ارتباط با خود، دیگران و دیگر موجودات و اشیاء، باید مملوکیت خود و دیگر موجودات عالم را نسبت به خدای سبحان در نظر داشته باشد و برای تحصیل اذن مالک مطلق عالم هستی تلاش کند. اخذ اذن پروردگار در گرو تبعیت از اوامر و نواهی است که توسط انبیاء و رسولان الهی در قالب «دین» ارائه و تبیین شده است، لذا هر کس که می‌خواهد اذن خداوند را تحصیل کند باید به تعالیم شرع‌گردن بسپارد و آن را سرلوحه‌ی اعمال خویش قرار دهد.

هر گونه فایده‌ای که از فضای سبز بهره‌ی انسان، حیوان دونده، خزنده، رونده، پرنده و مانند آن باشد مورد ترغیب دین مقدس اسلام است، زیرا رهبران الهی به هر موجود زنده‌ی بی‌آزار که زیان او به چیزی یا کسی نمی‌رسد، احسان می‌نمودند و چنین کاری را هم به دیگران توصیه می‌فرمودند، چنانچه حضرت مسیح (علیه السلام) هنگام عبور از کرانه‌ی دریا مقداری از غذای شخصی خود را به دریا انداخت. برخی از حواریان گفتند:

یا روح الله، چرا چنین کاری را کردی؟ فرمود: برای حیوانات دریا، تا از آن تغذیه کنند و ثواب این کار نزد خداوند بزرگ است.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: خنک کردن جگر گرم تشنه، واجب است و هر کس جگر تشنه‌ی حیوان یا غیر آن را سیراب نماید، خداوند او را در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از ظلّ معنوی خدا نیست، در سایه‌ی خود پناه می‌دهد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۵).

از اینگونه رهنمودهای قولی و فعلی رهبران دینی، پیوند اخلاق و عبادت با فضای سبز، رعایت حقوق حیوانات و مانند آن معلوم می‌شود؛ زیرا صبغه‌ی ملکوتی این کارها که توجه به ثواب الهی و عنایت به قیامت و اهتمام به ذخیره‌ی پس از مرگ است، کاملاً ملحوظ شده است.

در پایان نتیجه می‌شود با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ی شرع مقدس به حقوق همه‌ی موجودات ذی‌الروح و سفارشات و رهنمودهای مکرر، استفاده از سلاح هسته‌ای از آنجا که خطری بس بزرگ در برابر جان و روح و حرمت آن محسوب شده، لذا حتی در موارد تردید نیز طبق این اصل نخستین، استفاده از سلاح کشتار جمعی محکوم به حرمت خواهد بود.

و اما به چند نمونه از روایاتی که از مجموع آن‌ها می‌توان قاعده‌ای تحت عنوان «قاعده‌ی ممنوعیت جنایت جنگی» استخراج نمود، اشاره می‌شود:

روایت ۱.

«محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن سکونی عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال؛ قال امیرالمومنین (علیه السلام): نهی رسول الله (صل الله علیه و آله) ان یلقى السّم فی بلاد المشرکین»

امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می‌کند که پیامبر (صل الله علیه و آله) از ریختن سم در سرزمین مشرکین (آب و غذایشان) نهی فرموده است و این روایت عمده دلیلی است

۱. «ان الله تبارک و تعالی یحب ابراد الکبد الحرّاء و من سقى کبدا حرّاء من بهیمه و غیرها اظله الله فی ظلّ عرشه یوم لا ظلّ الا ظله.»

که در این باب مورد استناد فقهاء قرار گرفته است که قبل از بیان اقوال فقهاء بیان نکاتی چند ضروری به نظر می‌رسد:

اولاً: برخی در سند این حدیث از آن جهت که سکونی واقع شده است اشکال کرده‌اند؛ از جمله صاحب التقیح الرائع: «و فيه نظر لضعف السكوني و لمكان حمل النهي على الكراهيه» و شهید ثانی: «والروایه مع ضعفها، یمكن حملها على الكراهه، لجواز قتالهم بانواع العذاب، نعم لو ادى الى قتل نفس محترمه حرم لذلك كما انه لو توقف الفتح عليه الوجوب»

۱۱۹

لكن جواب اشکال این است که اکثر قریب به اتفاق رجالیون، سکونی را مقبول الروایه دانسته‌اند، «بل في المختلف النسبته الى اصحابنا حملاً للنهي في الخبر المزبور عليها، لقصوره سندا عن افاده الحرمة و لعله لذا قال المصنف و هو اشبه و فيه السكوني مقبول الروایه، بل حکى الاجماع على العمل باخباره» و شخصیت رجالی که معروف به سختگیری در توثیقات است، یعنی حضرت آیت الله خویی (ره) این روایت را به معتبره‌ی سکونی تعبیر کرده است و طبق آن فتوا داده است: «و کذا لا يجوز القاء السم في بلاد المشركين لنهي النبي (صل الله عليه و آله) في معتبره السكوني». افزون بر این بسیاری از فقهای قدیمی و معاصر طبق آن فتوا داده‌اند.

ثانیاً: برخی منع انداختن سم در شهرهای مشرکین را منطوق بیش از یک خبر دانسته‌اند و آن را به اخبار نسبت داده‌اند؛ «و يجوز القتال الكفار بسائر انواع القتل و اسبابه الا بتغريق المساكن و رميهم بالنيران و القاء السم في بلادهم فانه لا يجوز ان يلقى السم في بلادهم. قال شيخنا ابو جعفر في مبسوطه: و کره اصحابنا القاء السم و قال في النهايه: لا يجوز القاء السم في بلادهم وما ذكره في نهايه به نطقنا الاخبار عن الائمة الاطهار عليهم السلام»

ثالثاً: نهی در این روایت هرچند در مورد سم وارد شده است لکن ملاک نهی، اختصاص به سم ندارد بلکه شامل هرگونه از سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود زیرا فرقی میان مسموم کردن آب یا هوا و یا زمین و یا استفاده از انواع سلاح‌های غیرمتعارف نیست، بلکه استفاده از دیگر سلاح‌های غیرمتعارف از جمله سلاح هسته‌ای به مراتب هولناک‌تر است، بنابراین اگر در لسان مبارک رسول خدا (صل الله عليه و آله) کلمه‌ی

«سَم» آمده است، قطعاً عنوان سَم موضوعیت ندارد بلکه اشاره (عنوان مشیر است) به هرگونه سلاحی است که سبب کشتار نه تنها افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی، بلکه سبب نابودی حیوانات و نباتات و آسیب جدی به محیط زیست می‌باشد. به هر حال، در مورد استفاده کردن از «سَم» در حرب، چند قول وجود دارد:

الف) حرمت مطلقاً

شیخ الطائفه در نهایه می‌فرماید: «و يجوز قتال الكفار بسائر انواع القتل إلا السَّم؛ فإنه لا يجوز أن يلقى في بلادهم السَّم. و حتى الستعصمی علی المسلمین موضع فهم، كان لهم أن يرموهم بالمناجيق و النيران و غیر ذلك مما يكون فيه فتح لهم: و إن كان في جملتهم قوم من المسلمین النازلین علیهم.» (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۲۹۳).

همان‌طور که روشن است ایشان بین استفاده از منجیق‌ها و پرتاب آتش و امثال آن و بین به‌کار بردن سم در بلاد مشرکین فرق قائل شده‌اند و استعمال سم را جایز ندانسته‌اند. و همچنین علامه در تبصره فرموده‌اند:

«و يجوز المحاربة بسائر انواع الحرب إلا القاء السم في بلادهم» (علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۸۸) و ابن زهره در الغنیه (حلبی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۱) و قاضی ابن براج در المهذب (طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ۱، ۳۰۲) و علامه حلی در الإشاره (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۴۳) و کیدری در الاصباح (کیدری، ۱۴۱۶: ۱۸۹) نیز همین قول را بیان کرده‌اند. و ابن ادریس علاوه بر القاء السَّم، غرق نمودن و به آب بستن خانه‌ها و پرتاب تیرهای آتش را نیز از حکم جواز استثناء نموده است: «و يجوز قتال الكفار بسائر انواع القتل و أسبابه إلا بتغريق المساكن و رميهم بالنيران و القاء السَّم في بلادهم. فإنه لا يجوز أن يلقى السَّم في بلادهم. قال شيخنا ابو جعفر في مبسوطه: و کره أصحابنا القاء السَّم و قال في النهاية: لا يجوز القاء السَّم في بلادهم و ما ذكره في نهايته، به نطق الأخبار في الأئمة الأطهار عليهم السلام» (حلی، ۱۴۱۰ق: ۲، ۷) و شهید اول عدم جواز القاء السَّم را اصح بر شمرده: «و لا يجوز بالقاء السَّم علی الاصح» (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۲، ۳۲) و محقق حلی به حرمت تصریح دارد: «و یکره بالقاء النار، و یحرم بالقاء السَّم، و قیل یکره» (حلی،

۱۴۱۸ق: ۱، ۱۱۲) و همچنین است نظر فاضل آبی در کشف الرموز. (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق: ۱، ۴۲۴).

ب) کراهت مطلقاً

شیخ طوسی در الإقتصاد می‌فرماید: «و يجوز قتال الكفار بسائر أنواع القتال إلا القاء السّم في بلادهم فان ذلك مكروه لأن فيه هلاك من لا يجوز قتله من الصّبيان والنّساء و المجانين». (طوسی، ۱۳۷۵ق: ۳۱۳، ۳۱۴).

۱۲۱

و در المبسوطش این قول را به اصحاب شیعه نسبت داده است؛ «و کره اصحابنا القاء السّم فی بلادهم» (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۲، ۱۱) و علامه در چند کتابش از جمله التّحریر می‌فرماید: «و هل يجوز القاء السّم فی بلادهم؟ الاولى الکراهیه» (حلی، ۱۴۲۰ق: ۲، ۴۲) و در التذکره: «و الأقوی: الجواز، و یحمل النّهی علی الکراهیه» (حلی، ۱۴۱۴ق: ۹، ۷۰) و در القواعد: «و یکره بإرسال الماء، ... و القاء السّم علی رأی». (حلی، قواعد الاحکام/۱۴۱۳ق: ۱، ۴۸۶) و در المختلف: «و الأقرب ما ذکره فی المبسوط، و هو اختیار ابن النخیه» (حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳ق: ۴، ۳۹۲) و در المنتهی در مسأله: و کذا يجوز قتالهم بجميع اسباب القتل،..... و هل يجوز القاء السّم فی بلادهم؟ الاولى الکراهیه». (حلی، ۱۴۱۲ق: ۱۴، ۸۷)

ج) تفصیل بین حالتی که پیروزی در آن توقف دارد و غیر آن

پس حکم آن اگر فتح و پیروزی بدون آن محقق شود، حرمت است. محقق کرکی می‌فرماید: «قوله: (و القاء السّم علی رأی) یحرم إن أمکن الفتح بدونه» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۳، ۳۸۵). و صیمری در غایه المرام نیز از قائلین این قول است: «ولو لم یکن الفتح آلاً به جاز قطعاً» (صیمری، ۱۴۲۰ق: ۱، ۵۱۰). و صاحب کتاب سفینه النجاه می‌گوید: «و تجوز المحاربه بسائر انواع الحرب حتی هدم الحصون و نصب المنجنيق و قطع البشر و إن کره و کذا یکره ارسال الماء علیهم و منعه عنهم و ارسال النّار و اما القاء السّم فی بلادهم فلا یجوز مع امکان الفتح بدونه و احتمال وجود من لا یجوز قتله بینهم و لا یجوز قتل

الصبيان و المجانين و النساء و إن عاونوا الا مع الضّروره كما إذا ترسوا بهم و توقف
الفتح على قتلهم.» (نجفی، کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق: ۴، ۱۶۳).

د) تفصیل بین حالت اضطرار و غیر آن

قائلین به این قول استفاده از «سم» را در حالت اضطرار و ضرورت جایز می‌دانند و در
غیر آن خیر؛ علامه در ارشاد این قول را برگزیده است: «و تجوز المحاربه بأصنافها، إلا
السّم، ولو اضطر إليه جاز». (حلی، ۱۴۱۰ق: ۱، ۳۴۴).

و) تفصیل بین بکارگیری سم در معرکه جنگ که موجب قتل فقط نظامیان شود و
بکارگیری آن در مناطق غیر نظامی نشین

و الرابع: التفصیل بین القاء السّم فی البلد بما یوجب قتل النساء و غیرهم من اهل
المعركة، و بین القاء السّم فی المعركة بما یوجب قتل خصوص المحاربين ... و التحقیق:
هو القول الرابع». (تبریزی، ۱۴۲۱ق: ۳۸۷)

ه) کراهت، مگر عنوان دیگری بر آن تطبیق کند

از این رو گاهی حرام و گاهی واجب می‌شود؛ مثل زمانی که پیروزی و فتح بر آن متوقف
باشد واجب می‌شود: شهید ثانی در الروضه و مسالک‌ش این قول را دارد: «و الروایه مع
ضعفها، یمكن حملها على الكراهة، لجواز قتالهم بأنواع العذاب. نعم لو أدى إلى قتل
نفس محترمه احرم لذلك، كما أنه لو توقف الفتح عليه وجب». (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۳، ۲۵)
«و کذا یکره إرسال الماء علیهم و منعه عنهم، و إرسال النار و إلقاء السّم على الأقوی إلّا
أن یؤدی إلى قتل نفس محترمه فیحرم إن أمکن بدونه الى توقف علیه الفتح فیجب»
(عاملی، ۱۴۱۲ق: ۱، ۲۲۰).

ی) حرمت، مگر مصلحت عامه استفاده از آن را اقتضاء کند

حضرت آیت الله خویی (ره) در منهاج الصالحین می‌فرماید: «و کذا لا یجوز القاء السّم
فی بلاد المشرکین لنهی النّبی (صلی الله علیه و آله و سلّم) فی معتبره السکونی.... نعم، اذا

كانت هناك مصلحة عامة تستدعي ذلك كما إذا توقف الجهاد أو الفتح عليه جاز، و أما إلقاءه في جبهة القتال فقط من جهة قتل المحاربين من الكفار فلا بأس به». (موسوی خوبی، ۱۴۱۰ق: ۱، ۳۷۳).

و اما امروزه که دامنه‌ی خسارات جانی و مالی و زیست محیطی تسلیحات کشتار جمعی از جمله سلاح هسته‌ای (اتمی) به هیچ وجه قابل مقایسه با بکارگیری سم و منجنیق و امثال آن نمی‌باشد، به طریق اولی بکارگیری این تسلیحات ممنوع خواهد بود. شهید سیدمحمد صدر پا را فراتر گذاشته و به کارگیری انواع وسایل نابودکننده‌ی دسته جمعی را حتی در مقابل لشکریان و نظامیان دشمن جایز ندانسته است مگر آنکه مصلحت عظمی در کار باشد، ایشان در این مورد بیان می‌کند: «استعمال السّم و غیره؛ قد ورد النهی عن استعمال المبيدات العامّة حتى ضد الجيش المقابل، فضلاً عن الآخرين، كالماء و النار و السّم و غیر ذلك ممّا هو متوفى احیاناً».

و در ادامه می‌فرماید:

ففي معتبره السكوني عن ابي عبد الله عليه السلام، قال: قال امير المؤمنين عليه السلام: نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) أن يلقى السّم في بلاد المشركين. أقول: النهى دالّ على التّحريم ما لم تحصل مصلحة عظيمة، لا تكون إلا نادراً. و الرواية و إن كانت دالّة على خصوص السّم، إلّا أنّها شاملة لكل المبيدات العامه، بحيث يذهب البرئ بذنب المجرم و الأعزل بذنب المسلّح، حتى لو كان سلاحاً كالذريّ أو غيره». (صدر، ۱۴۲۰ ق: ۲، ۳۸۴، ۳۸۵).

همان‌طور که از عبارت ایشان نیز روشن است، ایشان وجود مصلحت عظیمه را تنها مجوز به کارگیری این نوع تسلیحات می‌دانند. اما در شرایط کنونی مقام معظم رهبری حفظ‌الله به‌عنوان ولی و زمامدار مسلمین کراراً این نکته را بیان فرموده‌اند. فتوای فقهی ایشان نیز این نکته را تاکید می‌کند که استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای حرام است و باید در نابودی آن تلاش کرد.

۱. وسایل نابودکننده

۲. غیر مسلح

۳. سلاح اتمی

ایشان در پیام خود به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه آورده‌اند: «به اعتقاد ما انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت اینگونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم».

روایت ۲.

«علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعده بن صدقه: عن ابي عبد الله (عليه السلام)، قال: ان النبي (صل الله عليه و آله و سلم) كان اذا بعث اميراً له علي سرية، امره بتقوى الله عزوجل في خاصة نفسه، ثم في اصحابه عامه، ثم يقول: اغزوا بسم الله و في سبيل الله، قاتلوا من كفر بالله، و لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا، و لا تقتلوا وليداً، و لا متبلاً في شاهق و لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجرة مثمرة و لا تحرقوا زرعاً»

ظاهر این روایت منع نسبت به امور ذیل در جنگ است:

۱. پیمان شکنی ۲. خیانت ۳. مثله کردن ۴. کشتار نوزادان ۵. قطع کردن و بریدن بلندی
۶. آتش زدن درخت خرما ۷. آب بستن و غرق نمودن ۸. قطع درخت میوه ۹. آتش زدن زراعت.

در همین رابطه به چند روایت دیگر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره می‌شود:

۱. «الا لا تقتلوا ذریه، کل مولود یولد یولد علی الفطره، فما یزال علیها حتی یرعب عنها لسانه. فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه»: بدانید که کشتار کودکان ممنوع است، چه آن که هر مولودی بر فطرت الهی متولد می‌شود و بر آن فطرت هست تا آن که بر زبان‌ش خلاف آن جاری شود و چنان است که پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌کنند. (متقی، ۱۳۸۹ق: ۴، ۲۳۵، ۲۴۵، ۳۸۴).

۲. «لا تقتلوا فی الحرب ألاً من جرت علیه المواسی»: در جنگ کسی را نکشید مگر این که به رشد و بلوغ رسیده باشد. (نسائی، ۱۴۴ق/۹، ۸۹، ۹۰، ۹۲؛ ابن منصور، ۱۴۲۸ق: ۲،

۲۳۹؛ متقی، ۱۳۸۹ ق: ۴، ۲۱۱، ۲۳۴، ۲۳۵؛ نوری، ۱۴۰۸ ق: ۲، ۲۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۹، ۱۶۷؛ ابویوسف، ۱۳۹۹ ق: ۳۰۳، ۳۸۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ ق: ۸، ۷۲، ۷۴، ۷۶).

۳. «لا تقتلن امرأه و لا عسیفا»: در جنگ زنان و بردگان را نکشید.

در وصایای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جنگ‌های جمل در بصره، صفین در شام، نهروان و... نیز مسائل زیادی وجود دارد که به چند نمونه از آنچه که مرتبط با موضوع مورد بحث است به‌طور خلاصه اشاره می‌کنیم:

۱. «لا تمثلوا بقتیل اذا فانتلتموهم و هزمتوهم باذن الله»: هنگامی که با آن‌ها جنگیدید و آن‌ها را به اذن خدا شکست دادید کشته‌ای را مثله نکنید.

۲. «فلا تقتلوا مدبراً»: کسی را که پشت به میدان جنگ کرده نکشید.

۳. «لا تجهزوا علی جریح، ای لا تقتلوهم سریعاً»: هیچ مجروحی را از پا در نیاورید یعنی به سرعت او را به قتل نرسانید.

۴. «و اذا وصلت الی رجال القوم فلا تکشفوا عورته»: و هرگاه به منزلگاه قومی رسیدید پس آنچه را که عورت است آشکار و عیان نکنید. (و عورت هر آن چیزی است که هرگاه ظاهر شود از آن حیاء می‌کند).

۵. «لا تتبعوا مولیاً و لا تطلبوا مدبراً»: فراریان را دنبال نکنید و در پی کسی که پشت به میدان جنگ کرده مباحثید.

۶. «لا تقتلوا اسیراً»: اسیری را نکشید.

۷. «ولا تصیبوا معوراً»: و ناتوان‌ها را ضربت نزنید.

لذا همان‌طور که روشن است استفاده از تسلیحات هسته‌ای امروزه علاوه بر آنکه نقض معاهدات بین‌المللی است، در آن تمام موارد نهی شده که در واقع جنگ نه، بلکه جنایت جنگی می‌باشد از قبیل مثله کردن، کشتار کودکان و نابودی زراعات و درختان و محیط زیست وجود دارد زیرا همان‌طور که در فصل‌های گذشته اشاره شد در صورت استفاده از سلاح هسته‌ای، این انسان نیست که هدف را تعیین می‌کند و امکان هیچ‌گونه تفکیک و تمایزی بین نظامیان و غیر نظامیان، کودکان، زنان، سالخورده‌گان، بردگان و اسیران و... وجود ندارد و نه تنها سبب قطع درختان و از بین رفتن زراعات و.. می‌گردد بلکه در یک جمله محیط زیست مورد هدف را به‌طور کل نابود می‌نماید و حتی این آثار مختوم به زمان جنگ نیز نمی‌باشد؛ از جمله متولد شدن کودکان ناقص‌الخلقه سال‌ها پس از پایان نبرد مؤید همین

مطلب بوده و حرمت استفاده از این سلاح غیر انسانی را بیش از پیش به ذهن متبادر می‌نماید.

روایت ۳.

«عن جعفر بن محمد عن ابیه عن آباءه عن علی (علیه السلام): ان رسول الله (صلی الله علیه) کان اذا بعث جيشاً و... قال: ولا تقتلوا ولیداً و لا شیخاً کبیراً و لا امرأه. (یعنی اذا لم یقاتلواکم) ولا تمثلوا و لا تغلوا و لا تغدروا.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زمانی که می‌خواستند لشگری را برای نبرد با کفار راهی جنگ کنند یکی از توصیه‌های اکیدشان به لشگریان، ممنوعیت کشتن زنان، کودکان و سالخورده‌گان بود. بنابراین حمایت از زنان و کودکان در مخاصمات مسلحانه امری واجب و اجتناب‌ناپذیر و از جمله‌ی دستورات اسلام محسوب می‌شود.

از این رو بر اساس این روایت کشتار زنان، اطفال، پیرمردهای سالخورده کفار، حرام است و یکی از مصادیق این نوع کشتار می‌تواند استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باشد. پس اگر کاربرد سلاح‌های هسته‌ای منجر به قتل موارد مزبور گردد تردیدی در حرمت آن وجود ندارد. مرحوم صاحب جواهر ادعا می‌کند که برای ممنوعیت کشتار زنان و کودکان مخالفی را نیافته‌اند، ضمن اینکه علامه حلی ممنوعیت قتل این افراد را اجماعی می‌داند، ایشان می‌گویند: «ولا يجوز القتل المجانی و لا الصبیان و لا النساء منهم و لو عاونهم بتشدید النون الا مع الاضطرار بلا خلاف اجده فی شیئی من ذلک، بل فی المتهی الاجماع علیه فی النساء و الصبیان، بل و علی قتل النساء مع الضروره»، اینکه می‌گوید: «الا مع الاضطرار» چه بسا بر اساس روایت بعد باشد که می‌فرماید: «ألا ان تضطروا الیها»

اضافه بر آن چه ذکر شد، عمل پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) در جنگ‌هایش نیز چنین بود؛ زیرا آن حضرت هیچگاه به قتل زن و کودک دستور نداد؛ بلکه آنان را (در صورتی که نجات‌پذیر بودند) به اسارت گرفت و برده ساخت یا آن‌ها را بخشید و مورد مرحمت قرار داد و سنت بر جای گذاشت.

در بدایه المجتهد نیز آمده است: «اختلافی در بین فقها نیست، در این که کشتن کودکان و زنان دشمن جایز نیست» (ابن رشد، ۱۴۱۶ق: ۱، ۲۸۰).

و در معنی گوید: «به اتفاق نظر فقهاء اگر بر کفار چیره شود، جایز نیست که نوباوگان به بلوغ نرسیده را بکشد».

از این عمر نیز روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله کشتن زنان و کودکان را نهی کرده است و به دلیل همین است که میان علماء اتفاق نظر است که نوباوه به مجرد اسیر شدن برده می شود (المقدس، ۱۳۸۸ق: ۱۰، ۲۹۰، ۳۹۳).

و باز در تذکره آمده است:

اسیران بر دو گونه اند: مذکر و مؤنث... اما زنان و کودکان، به اسارت درآمده و مورد تملک قرار می گیرند و کشتن آنان به اجماع علماء جایز نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله کشتن زنان و کودکان را نهی فرموده است، و به مجرد اسارت حکم آن‌ها مانند حکم سایر غنائم می باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ۱، ۴۲۳).

۱۲۷

پیش‌نویس
روابط بین الملل

قواعد فقهی منع
کاربرد سلاح‌های
کشتار دسته جمعی
در مخاصمات
مسلحانه بین‌المللی

روایت ۴.

«دَعَا نُمُ الْإِسْلَامَ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يُقْتَلُ الْمُشْرِكُونَ بِكُلِّ مَا أَمَكْنَ قَتْلُهُمْ بِهِ مِنْ حَدِيدٍ أَوْ حِجَارَةٍ أَوْ مَاءٍ أَوْ نَارٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ فَذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نَصَبَ الْمَنْجَنِيْقَ عَلَى أَهْلِ الطَّائِفِ وَقَالَ إِنْ كَانَ مَعَهُمْ فِي الْحِصْنِ قَوْمٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَأَوْفَقُوهُمْ مَعَهُمْ وَكَأَيَّتَعَمَّدَهُمْ بِالرَّمْيِ وَارْمُوا الْمُشْرِكِينَ وَانذَرُوا الْمُسْلِمِينَ إِنْ كَانُوا أَقِيمُوا مُكْرَهِينَ وَتَكَبُّوا عَنْهُمْ مَا قَدَرْتُمْ فَإِنْ أَصَبْتُمْ مِنْهُمْ أَحَدًا فَفِيهِ الدِّيَّةُ». (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱، ۴۲)

بر اساس عموم مستفاد از این روایت نیز استفاده از انواع تسلیحات و حرب‌های جنگی برای غلبه بر دشمن جایز می باشد.

نتیجه گیری

بعد از بررسی ادله‌ی مذکور، باید گفته شود، مناط و ملاک حرمت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی (از نظر فقه اسلام) قواعد و اصولی است که از مجموعه آیات و روایات به دست می آید؛ مانند قاعده‌ی وزر و قاعده‌ی حرمت سعی بر فساد در زمین و قاعده‌ی حرمت اعتداء و تجاوز از سلاح‌های متعارف در جنگ و اصل حرمت جان آدمیان و روایات مانعه از: ۱. آغاز به جنگ بدون دعوت به حق و اتمام حجت ۲. مثله کردن کشته‌های دشمن ۳. نقض عهد و پیمان‌های جنگی ۴. کندن و سوزاندن درختان و مزارع ۵. تخریب ساختمان‌ها و

ویرانگری آبادی‌ها ۶. پرتاب آتش و گسیل دادن آب به سوی دشمن و بستن آب بر روی وی ۷. کشتار غیر نظامیان از قبیل کودکان، زنان، پیران، مجروحان، بیماران، پیغام رسانان و همانند آن‌ها و... در مورد روایات این باب به‌طور کلی می‌توان گفت دو دسته روایات در مورد تخریب بلاد کفار و نابودی آن‌ها وارد شده که یک گروه، امر بدان می‌کنند و دسته‌ی دیگر از روایات، نهی از تخریب و نابودی (به روش‌های ممنوعه) دارد. جمع بین دو دسته از روایات، به تخصیص روایات آمره، به صورت حاجت و ضرورت است؛ یعنی در صورت عدم ضرورت، تخریب و نابودی و هلاکت (از طرق روش‌های ممنوعه) جواز ندارد.

اما در مورد توقف فتح بر آن، برخی روایات آمره را بر آن حمل نموده‌اند: «بل فی بعضها و فیهم الصبیان و النساء و الشیخ الکبیر و الاساری من المسلمین و التجار، قال: یفعل ذلک بهم و لا یمسک عنهم لهولاء، و لا دیه علیهم للمسلمین ولا کفاره و هو ایضاً محمول علی صوره توقّف الفتح علی ذلک، فلا ینافی ما سیاتی من عدم جواز قتل الصبیان و النساء و غیرهما مع عدم امکان الفتح بذلک».

صاحب جواهر نیز این بحث را مطرح می‌کند؛ مبنی بر اینکه گفته می‌شود به‌کارگیری سم در سرزمین مشرکان در صورتی که موجب قتل غیر نظامیانی شود که کشتنشان حرام می‌باشد؛ اعم از کودکان و زنان و پیران و مسلمانانی که در آن سرزمین به سر می‌برند، حرام است و اگر تنها موجب نابودی دشمن در صحنه جنگ شود، حرام نیست، چون پیروزی بر آن متوقف است!

ایشان در مقام اشکال بر این نظریه و اثبات اینکه مسموم کردن و آلوده کردن بلاد برای کشتن دشمن جایز نیست حتی اگر تنها راه پیروزی متوقف بر آن باشد؛ می‌فرمایند: روایت اطلاق دارد و حتی در صورت توقف پیروزی بر مسموم کردن بلاد، دال بر حرمت است. بنابراین کشتن دشمن حتی در صحنه جنگ هر چند تنها راه پیروزی، مسموم کردن منطقه‌ی جنگی باشد، جایز نیست: «نعم قد یقال انه ظاهر فی النهی عن القائه فی البلاد لاستلزامه غالباً قتل الاطفال و النساء و الشیوخ و من فیها من المسلمین و نحوه ممن یحرم قتلهم، اما اذا فرض اختصاص قتله بالكفار الذین یجوز قتلهم بانواع القتل فلا، بل قد یتوقف فی الجواز فی الاول و ان یتوقف الفتح علیه، لاطلاق الخبر المزبور بل ان کان هو المراد من الضروره فی عباره من قید؛ امکن منعه لذلك ایضاً و منه یعلم ما فی قول المصنف فان لم یمکن الفتح الا به

جاز بلا کراهه، ضروره ان الخبر المطلق، فما عن ظاهر بعض من جوازه و ان ادی الی قتل نفس محترمه و لم يتوقف الفتح عليه واضح الضعف لذلك...»
علاوه بر آنچه ذکر شد نیز می توان گفت منع به کارگیری سلاح کشتار جمعی بر اساس حکم عقل و عقلاء است چرا که مصداق ظلم و ستم است و قبح آن روشن است.

منابع

قرآن کریم.

ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، بیروت-لبنان: دار الکتب العلمیه.

ابن قدامه، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد. (۱۳۸۸ق). *المغنی*، مکتبه القاهرة.

ابن منصور، سعید. (۱۴۲۸ق). *سنن سعید بن منصور*، ریاض - عربستان: دار الصمیعی.

ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم. (۱۳۹۹ق). *الخراج*، بیروت-لبنان: دار المعرفه.

بلوچی. حیدر علی. (۱۳۹۲). *مفاهیم رقیب در سیاستگذاری های دفاعی*، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

تبریزی، ابوطالب تجلیل. (۱۴۲۱ق). *التعلیقہ الاستدلالية علی تحریر الوسيله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.

جی گانته. لوچیانو. (۱۳۷۱). *سرگذشت بمب اتم* (ترجمه محمدعلی مهمید)، نشر بنیاد.

حلبی، حمزه بن علی بن زهره. (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

حلی، ابن ابی المحمد، علی بن حسن. (۱۴۱۴ق). *اشاره السبق إلى معرفة الحق*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، ابن ادیس، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). *السرار الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۲ق). **المتهمی المطلب فی تحقیق المذهب**، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). **مختلف الشیعه فی احکام الشریعه**، قم: دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). **تذکره الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۰ق). **إرشاد الأذهان الی أحكام الایمان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). **تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۱ق). **تبصرة المتعلمین فی احکام الدین**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ق). **المختصر النافع فی فقه الإمامیه**، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۰ق). **منهاج الصالحین**، قم: نشر مدینه العلم.

شریعتی، روح الله. (۱۳۸۷). **قواعد فقه سیاسی**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

شوکانی، محمد. (۱۴۱۴ق). **نیل الاوطار**، بیروت-لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

صدر، سید محمد. (۱۴۲۰ق). **ماوراء الفقه**، بیروت-لبنان: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.

صدوق، ابوجعفر. (۱۳۸۷). **من لا یحضره الفقیه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

صیمری، مفلح بن حسن (حسین). (۱۴۲۰ق). **غایه المرام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت-لبنان: دارالهادی.

طبرسی، شیخ حسن. (۱۳۷۰). **مکارم الأخلاق**، قم: چهارم، شریف رضی.

طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). *المهذب*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۳۷۵ق). *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، دوم، بیروت - لبنان: دارالکتاب العربی.

عاملی کرکی، (محقق ثانی)، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: دوم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

عاملی، (شهید ثانی)، زین الدین بی علی. (۱۴۱۲ق). *الروضه البهیة فی شرح اللعمه الدمشقیة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرایع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

عاملی، (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*، قم: دوم، دفتر انتشارات اسلامی.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

غنی کله لو، کیوان. (۱۳۸۹). *تروریسم هسته ای*، تهران: خرسندی.

فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. (۱۴۱۷ق). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، قم: سوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کاسسه، انتونیو. (۱۳۷۵). *نقش زور در روابط بین الملل*، ترجمه مرتضی کلاتریان، تهران: انتشارات آگه.

کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). *إصباح الشیعة بمصباح الشریعة*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

متقی، علی بن حسام الدین. (۱۳۸۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت-لبنان: مکتبه التراث الاسلامی.

- محمدرضا ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). *میزان الحکمه*، تهران: چاپ و نشر دارالحديث.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. (۱۳۸۶). *تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۷). *حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی*، ترجمه و تحقیق امیر حسین رنجریان، تهران: نشر دادگستر.
- نجفی، کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمدرضا. (۱۴۲۳ق). *سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات*، نجف اشرف-عراق: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نسائی، احمد بن علی. (۱۴۱۱ق). *السنن الکبری*، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- نوری، محدث، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- یزدی، سیدمصطفی محقق داماد. (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.